

امام کاظم پاسدار نهضت صادقین (ع)/ پایه گذار سومین دانشگاه شیعی

امام کاظم (ع) موسس «سومین دانشگاه شیعه» بعد امامین صادقین (ع) است. دانشگاهی که اگرچه از نظر کمی قابل مقایسه با دو دانشگاه قبلی نیست اما از لحاظ کیفی برابر بلکه بالاتر می نمود.



امام کاظم (ع) موسس «سومین دانشگاه شیعه» بعد امامین صادقین (ع) است. دانشگاهی که اگرچه از نظر کمی قابل مقایسه با دو دانشگاه قبلی نیست اما از لحاظ کیفی برابر بلکه بالاتر می نمود.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه-علی کریمی: بسیاری از افراد از واژه انقلاب و انقلابی ماندن علی رغم اینکه دو لفظ بسیار کاربردی در السنه ی عوام می باشد، معنا و مفهوم واضح و روشنی را نمی دانند، اغلب هرکس با برداشت خویش دیگران را مورد ارشاد قرار می دهد، غافل از اینکه باید بر اساس حکمت سخن گفت و صاحبان حکمت تنها چهارده حجت الهی اند و بس. در نتیجه چه نیکو و شایسته است که با برداشت از روش و منش امامان معصوم (ع) که قطعا هیچ خدشه و خللی بر آنها وارد نیست تفسیر این مطلب را جویا شویم، که اکنون به مناسبت ایام پربرکت میلاد «امام موسی بن جعفر» درب کرم و لطف این حضرت را دقّ الباب می نماییم.

امام کاظم (ع) پس از شهادت پدر شریف خویش امام جعفر بن محمد، مسوولیت امامت و رهبری شیعیان را از جانب خدای متعال عهده دار گردید، اما دوران، دوران بسیار سیاه و سردی برای شیعیان و قطعا امام کاظم (ع) بعنوان رهبر تشیع بود، برای مثال منصور خلیفه ی سقاک عباسی که یکی از خلفای معاصر امام بوده است کسی بود که برای تثبیت پایه های حکومت خویش انسان های فراوانی را به خاک و خون کشید.

او در این راه نه تنها شیعیان بلکه فقها و شخصیت های بزرگ اهل تسنن را نیز که با او مخالفت می ورزیدند سخت مورد شکنجه قرار می داد تا آنجا که «ابوحنیفه» را به جرم اینکه بر ضد وی به پشتیبانی از فردی برخاسته بود شلاق زده و به زندان افکند. (۱)

در ابتدا اینگونه بنظر می رسد که ، امام (ع) در این اوضاع نابسامان باید از صحنه ی مبارزه بجهت خفقان بیش از اندازه کنار کشیده و نهایتا با عده ای از یاران خویش به درس و وعظ محض مشغول گردید، اما با کمی دقت در سیره ی آن بزرگوار به حدیثی بر می خوریم که مطلبی بس قابل توجه را به طرز ظریفی منعکس می نماید:

«راوی می گوید: به نزد امام هفتم رفته و به اتاق شخصی ایشان داخل شدم، در اتاق آن حضرت سه چیز را به وضوح مشاهده نمودم: ۱-مصحف کریم ۲- لباس خشن نظامی ۳- شمشیری بر دیوار آویخته.» (۲)

اینجاست که بخوبی در می یابیم آن امام همام در عین اینکه خود را غرق در عبادت خدای متعال می نمود ، تا آنجا که خطیب بغدادی از اعظم اهل سنت در توصیف امام گوید:

«حضرت موسی بن جعفر بجهت عبادت و کوشش بسیار عبد صالح خوانده می شد!» (۳)

اما همراه با این درجات از عبودیت همیشه آماده ی جهاد و مبارزه با ظلم و فساد و انقلاب در جامعه ی اسلامی بود و این مفاهیم را با قرآن مجید و سیف معلق به شیعیان و اطرافیان خویش با لسان شعار و رمز القا و تفهیم می نمود.

اکنون محبّان و رهروان حضرتش بدانند چه والا امامی را در میان دارند که جامع تمام ابعاد و جهات علمی و مذهبی و مانع تمام تاریکی ها و نادانی هاست!

امامی که با روحیه مجاهد خویش هرگز ترس و دلهره ای را بر جان نداشته و همواره فدایی شیعیانش بود، گواه بر این مدّعا آن که فرمود:

«خداوند مرا مخیر نمود بین اینکه یا بر شیعیان غضب نماید و یا اینکه جان من ستانده شود و من با دادن جان خویش شیعه را محافظت نمودم!» (۴)

امام کاظم (ع) که در قرن دوم هجری می زیسته اند ، دوران بسیار خاص و ویژه ای را از لحاظ خفقان سیاسی و ظلم و جور حکام عباسی سپری نموده اند ؛ تا به آنجا که حضرت در دوران زندگانی خود با چهار خلیفه عباسی معاصر بوده اند:

۱ . منصور دوانیقی

۲ . محمد معروف به مهدی

۳ . هادی

۴ . هارون (۵)

بررسی اوضاع و احوال زمان امام کاظم (ع) نشان می دهد که هر گونه اقدام حادّ و برنامه ای که حکومت منصور از آغاز روی آن حساسیت خاصی نشان دهد به صلاح نیست ، از این رو امام کاظم (ع) در کنار سایر فعالیت های خود ، دنباله ی برنامه علمی پدر را از سر گرفت و حوزه ای علمی را در ادامه راه امام ششم تاسیس نمود که اگر چه به وسعت دانشگاه جعفری نبود اما به تربیت شاگردان بزرگ و رجال علم و فضیلت می پرداخت . سید بن طاووس می نویسد :

«گروه زیادی از یاران و شیعیان خاص امام کاظم (ع) و رجال خاندان هاشمی در محضر آن حضرت گرد می آمدند و سخنان گهربار و درر بار و پاسخ های آن حضرت به پرسش های حاضران را یادداشت می نمودند و هر حکمی که در مورد پیش آمدی صادر می نمود ضبط می کردند.» (۶)

گویا امام کاظم (ع) موسس «سومین دانشگاه شیعه» بعد امامین صادقین (ع) است. دانشگاهی که اگرچه از نظر کمی قابل مقایسه با دو دانشگاه قبلی نیست اما از لحاظ کیفی با توجه به شرایط آن دوره تاریخی، با آنها برابر بلکه بالاتر می نمود.

«سید امیر علی» از مورخین اسلامی در این باره می نویسد:

«در سال ۱۴۸ هجری امام جعفر صادق (ع) در شهر مدینه در گذشت ، ولی خوشبختانه مکتب علمی او تعطیل نشد ، بلکه به رهبری جانشین و فرزندش موسی کاظم (ع) شکوفایی خود را حفظ کرد.» (۷)

این نهضت علمی زنده ای که از پدر به پسر یعنی امام کاظم (ع) به ارث رسید را می توان حتی در بین خلفای عباسی مشاهده نمود که چگونه آنان را در مقابل علم بی کران امامت زمین گیر نموده است.

نمونه ای از این تاثیرات علمی بر روی دربار و شخص خلیفه را می توان در گفت و گوی بین مهدی عباسی و امام کاظم (ع) رخ داده است ، مشاهده نمود.

در یکی از سال ها مهدی وارد مدینه شد و پس از زیارت قبر پیامبر اکرم (ص) با امام کاظم (ع) ملاقات کرد و برای آنکه به ظنّ خویش آن حضرت را آزمایش کند بحث «حرمت خمر» در قرآن را پیش کشید !! و پرسید:

- آیا شراب در قرآن مجید تحریم شده است؟

آنگاه اضافه کرد : «مردم اغلب می دانند که در قرآن از خوردن شراب نهی شده ولی نمی دانند که معنای این نهی ، حرام بودن آن است!

امام فرمود : «بلی، حرمت شراب در قرآن مجید صریحا بیان شده است.

-در کجای قرآن؟

-آنجا که خدای متعال خطاب به نبی خویش می فرماید:

« بگو پروردگار من تنها کارهای زشت ، چه آشکار و چه پنهان و نیز « اِثم » و ستم به ناحق را حرام نموده است. » (۸)

آنگاه امام (ع) پس از بیان چند موضوع دیگر که در این آیه تحریم شده فرمودند:

«مقصود از کلمه اثم در این آیه که خداوند آن را تحریم نموده، همان شراب است؛ زیرا خداوند در آیه ی دیگر می فرماید:

«از تو درباره شراب و قمار می پرسند؛ بگو در آن « اثم کبیر » و سود هایی برای مردم می باشد و گناهی از سودش بیشتر است.» (۹)

و اثم که در سوره اعراف صریحاً حرام اعلام شده در مورد شراب و قمار به کار رفته؛ پس شراب صریحاً در قرآن حرام معرفی شده است.

مهدی که سخت تحت تاثیر استدلال امام قرار گرفته بود، رو به علی بن یقظین کرده و گفت به خدا این فتوا، فتوای هاشمی است!! علی بن یقظین نیز گفت:

«شکر خدا را که این علم را در خاندان شما قرار داده است!!» (۱۰)

مهدی در حالی که سخت خشم خود را فرو می خورد گفت:

«راست می گویی رافضی!!» (۱۱)

عظمت امام موسی الکاظم (ع) بقدری است که تمام دانشمندانی که با زندگی سراسر خیر و برکت و پر از افتخار آن حضرت آشنایی دارند در برابر عظمت شخصیت اخلاقی وی سر تعظیم فرو آورده اند.

«ابن حجر هیتمی» دانشمند مشهور جهان تسنن می گوید: «موسی کاظم وارث علوم و دانش های پدر و دارای فضل و کمال او بود. وی در پرتو عفو و گذشت و بردباری فوق العاده ای که در رفتار با مردم احمق از خود نشان داده «کاظم» لقب یافته و در زمان او هیچ کس در معارف الهی و دانش به پای او نمی رسید.» (۱۲)

پس اگرچه بسیاری افراد از امام هفتم محبوس در قعر سجون را می شناسند اما باید دانست امام کاظم پاسدار و حافظ نهضت علمی حضرت صادق (ع) و بانی و حامی سومین دانشگاه بزرگ شیعه است!

منابع :

۱ تاریخ الخلفاء / ص ۲۵۹

۲ بحار الانوار / ج ۴۸ ص ۱۰۰

۳ تاریخ بغداد / ج ۱۳ ص ۲۷ و ۲۱

۴ مدینه المعجزه الاثمه الاثنی عشر / ج ۶ ص ۳۷۹

۵ سیره پیشوایان . ص ۴۱۳

۶ الانوار البهیه . ص ۱۷۰

۷ - مختصر تاریخ العرب . ط ۲ . ص ۲۰۹

۸ - سوره اعراف . ۳۳

۹ - سوره بقره . ۲۱۹

۱۰ الفروع من الكافي . ج ۶ . ص ۴۰۶

۱۱ مروج الذهب . ج ۳ . ص ۳۲۴

۱۲ الصواعق المحرقة . ص ۲۰۳